



▲  
رنج‌های ورتز جوان  
Illustration of The Sorrows  
of Young Werther, via  
Gedankenwelt  
رنج‌های ورتز جوان نام‌رمانی است  
نوشته یوهان ولفگانگ گوته که آن  
رادر سال ۱۷۷۴ و در سن ۲۵ سالگی  
منتشر کرد.

### هبه معوض

مهم‌ترین دست‌آویز آباء مسیحیت تا سالیان دراز طرح ایده هبه بودن زندگی از سوی خدا بود. از این رو، خودکشی رد هبه‌ی خدا و بی ادبی به ساحت او بود و «بی ادب محروم شد از لطف رب». حتی اگر زندگی آمیخته به رنج باشد باید هبه‌ی خدا را دست‌نخورده به او بازگرداند. یکی از جدی‌ترین رویکردهای سکولار در مقابل مخالفت مسیحی با خودکشی از مخالفت با تمثیل موهبت ریشه‌گرفت. موهبتی که رد کردن آن ناسپاسی به شمار آید تمثیلی آنچنان ضعیف است که در مقابل مخالفت‌ها تاب ایستادگی ندارد. ضعف عمده این تمثیل در این است که موهبت اگر صادقانه بخشیده شود تبدیل به دارایی شخص گیرنده می‌شود و خدا در برابر آن دیگر هیچ ادعایی نباید داشته باشد. تفسیرهای جدید اخلاق‌شناسان مسیحی، همراه با مفسران کتاب مقدس، خودکشی را به عنوان عملی برخاسته از وجدان مسیحی تلقی می‌کنند. به عنوان مثال، یادداشت خودکشی یک زوج در نیویورک کمیته پروتستان را به این نظر رساند که برای برخی از مسیحیان، به عنوان آخرین راه‌حل، در سخت‌ترین شرایط، خودکشی ممکن است عمل وجدان مسیحی آن‌ها باشد. آنچنان که مسیحیان لیبرال در تفسیری اگرستانسیالیستی می‌گویند: «ما از شرایط کامل خودکشی اطلاعی نداریم. فقط خداست که اعمال ما را قضاوت می‌کند و او همه چیز را در نظر می‌گیرد: ژنتیک، وضعیت ذهنی ما، ظرفیت فکری ما، آموزه‌هایی که داریم و سنت پدرانمان». رویکردهای متأخر دیگر در نظریه‌ی کسانی چون مارگارت باپتین مطرح شد. عدم وجود متن صریح در این باره، اطلاق عنوان خشن به رویکرد

کند، کشیش «جان دان» در کتاب بیان‌اتوس دلایلی در رد رویکرد کلیسایه خودکشی ارائه داد. جان دان مخالفت خود با رویکرد کلیسایه عقل و قانون خدا. او باورهایی را که از پیش از میلاد درباره‌ی خودکشی وجود داشت به چالش کشید و ناشی از ناامیدی یا خودخواهی بودن آن را رد کرد. همچنین به باور او عقل معذور از گناه است و نمی‌توان آیاتی از کتاب مقدس را به موضوع خودکشی تعمیم داد. تلاش جان دان نخستین تک‌صدایی مخالف رویکردهای مسلم خودکشی از درون کلیسای بود، اگرچه نتوانست جای پای محکمی پیدا کند و سال‌ها بعد بود که، در سایه رویکردهای اخلاقی، دیده شد. با این حال، با شروع عصر روشنگری باور گناه بودن خودکشی آرام آرام شکسته شد. این شکست مدیون تلاش‌های نویسندگان سکولاری بود که، در رد باورهای مسلم کلیسایه و در اعتراض به قوانین سخت آن، قهرمان‌هایی آفریدند که تنها راه رستگاری یا برجسته شدن نشان خودکشی بود. ورتز جوان در چنین فضایی موجی از خودکشی‌های رمانتیک را در اروپا به راه انداخت. بعد از انتشار رساله‌ی خودکشی دورکیم، این موضوع از حیطه‌ی دین به جامعه‌شناسی منتقل شد و با طرح حقوق مدرن و مطرح شدن خودمختاری و حاکمیت بر تن، سیطره کلیسایه بر چارچوب بندی آن کم شد. در چنین فضایی بود که امکان نقد پیش‌فرض‌های کلیسایه پیش روی منتقدین و فلاسفه اخلاق گشوده شد. از این پس سلطه نگاه کلیسایه به خودکشی رو به افول رفت و او که خودکشی می‌کرد، پیش از آنکه مرتکب گناهی شده باشد، نیازمند محبت و توجهی بود که از کلیسایه دریافت نکرده بود: قربانی نگاه خشن کلیسایه موهبتی که از سوی خدا و برای خدا بود.